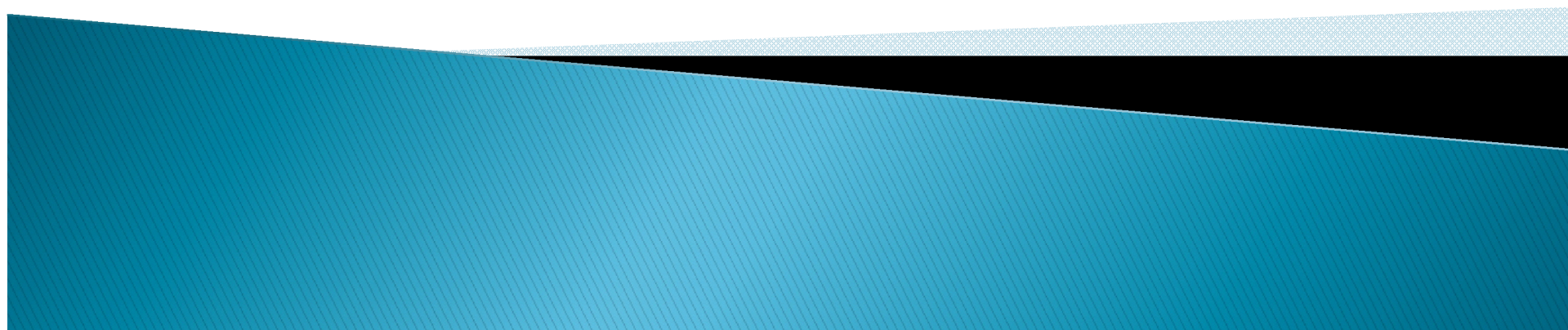


واژه بست ها به عنوان نشانه مطابقه فاعلی در فارسی

محمد راسخ مهند (دانشگاه بوعلی سینا)



افعال مورد بحث:

- ▶ خوشم آمد، لجش گرفت،
- ▶ دردش آمد، عارم می آید،
- ▶ خوابمان می آید، ماتم برد،
- ▶ خشکم زد، بسم است.

نام های متفاوت:

▶ جمله های غیرشخصی؛ افعال ناگذر؛ فعل ناگذر تک شخصه؛ ،
فعل مرکب تجربه ای؛ فعلهای یک شناسه؛ ساخت
غیرشخصی؛ فعلهای مرکب ضمیری؛ فعل پی بستی؛ عبارات
غیرشخصی یا نیمه غیرشخصی؛ فعل های غیرمستقیم
(میانی).

▶ راسخ مهند (۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۹) فعل مرکب پی بستی.

بحث این مقاله:

گلچین عارفی، مائده (۱۳۹۰) «بررسی ساخت غیرشخصی در زبان فارسی»؛ دستور، ویژه نامه نامه فرهنگستان، ش ۷، صص ۱۶۲-۱۸۲.

هدف مقاله:

▶ ارائه استدلالها و شواهدی تازه برای تاکید بر تحلیل
قبلی: (راسخ مهند ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ الف، ۱۳۸۹).

۲. چرا این ساخت مورد توجه زبان‌شناسان واقع شده است؟

- ▶ ویژگی‌های خاص این ساختها:
- ▶ الف. فعل به صورت سوم شخص مفرد؛
- ▶ ب. حضور اجباری پی بسته‌ها؛
- ▶ ج. پی بسته‌ها هم مرجع با فاعل؛

۳. فعل مرکب پی بستنی

- ▶ دو نکته تحلیل قبلی من:
- ▶ فعل این ساختها **فعل مرکب** است؛
- ▶ پی بسته‌های ضمیری در این ساختها **نشانه مطابقه فاعلی** هستند.

استدلالاتها برای فعل مرکب بودن:

- ▶ الف. داشتن معنای اصطلاحی در برابر معنای بخش پذیر؛
- ▶ ب. دوم وجود تکیه واحد؛
- ▶ ج. دارا بودن پیوستگی واژگانی؛
- ▶ د. امکان تبدیل فعل مرکب به اسم مصدر؛
- ▶ و. ثبت این افعال در فرهنگها؛

نظر عارفی در این مورد:

► وی با اینکه از این ساخت با عنوان ساخت غیرشخصی یاد میکند، اما در انتهای مقاله خود عنوان میکند که «فعل در ساخت غیرشخصی مرکب است؛ چرا که برای گویشور یکجا فهمیده میشود».

► در واقع وی دلیلی برای این تحلیل ارائه نمیکند و بدون اشاره به تحلیل نگارنده، می پذیرد که اینها افعال مرکب هستند.

نشانه مطابقه فاعلی

► توزیع متفاوت پی بستهها:

► پی بستهها در چهار جایگاه در زبان فارسی به کار میروند.
(جدول ۱):

نشانه مطابقه فاعلی

جایگاه پی بستها	مثال	قابل جایگزینی با اسم یا ضمیر	همراه اسم یا ضمیر
ساخت اضافی	کتابش، دفترم	+	-
پس از حرف اضافه	ازش، بهت	+	-
پس از فعل	دیدمش، زدنت	+	+
فعل مرکب پی- بستی	خوشش آمد	-	+

نشانه مطابقه فاعلی

- ▶ این پی بسته‌ها در افعال مرکب پی بستی رفتاری منحصر به فرد دارند، از طرفی اجباری اند، و از طرفی همراه اسم یا ضمیر هم مرجع خود به کار می‌روند.
- ▶ مقایسه این پی بسته‌ها با شناسه‌های فارسی (جدول ۲)؛ توزیع یکسان.

نشانه مطابقه فاعلی

مثال	قابل جایگزینی با اسم یا ضمیر	هراه اسم یا ضمیر
شناسه	رفتم/من رفتم.	-
پی‌بست در افعال مرکب پی‌بستی	خوشم آمد/من خوشم آمد.	-

نشانه مطابقه فاعلی

► پی بست ها و شناسه ها در این موارد رفتاری مشابه، در نتیجه نقشی مشابه، دارند و نقش آنها نشانه مطابقه فاعلی است.

تحلیل عارفی

▶ این ضمائر «از دوره میانه تاکنون، همواره **غیرفاعلی** بوده اند».

تحلیل عارفی

► وی با این استدلال، در ادامه ابتدا به تحلیل ساخت
غیرشخصی در فارسی قدیم می پردازد، زیرا آن را ساده
تر از تحلیل این جملات در فارسی امروز میداند که
شفافیت نحوی خود را از دست داده است.

تحلیل عارفی

- ▶ چهار دسته ساخت غیرشخصی در فارسی قدیم:
- ▶ دسته اول: فعل ساده + یک گروه اسمی فاعلی + یک گروه اسمی غیرفاعلی:
- ▶ «حضرت خلافت را (مفعول) شرم (فاعل) آمد (فعل ساده)».
- ▶ دسته دوم: فعل ساده + یک گروه اسمی فاعلی + یک گروه اسمی غیرفاعلی + یک صفت
- ▶ «احمق را (غیرفاعلی) ستایش (فاعل) خوش (صفت) آید (فعل ساده)».

تحلیل عارفی

- ▶ سوم: فعل مرکب (اسم+فعل)+ یک گروه اسمی غیرفاعلی+ یک گروه اسمی فاعلی:
«او را (غیرفاعلی) حیلتي (فاعل) یاد آمد (فعل مرکب)».
- ▶ چهارم: یک فعل ساده+ یک گروه اسمی غیرفاعلی+ یک صفت:
«ما را (غیرفاعلی) گرسنه (صفت) است (فعل)».

تحلیل عارفی

- ▶ در تمام این چهار ساخت - «اسم+را» دارای نقش مفعول بهره ور است.
- ▶ یعنی «حضرت خلافت را، احمق را، او را، ما را» همگی مفعول بهره ورند و از حیث معنایی در تمام این جملات فاعل بر مفعول بهره ور عارض میشود.
- ▶ مثلاً حیلتي بر او عارض میشود.
- ▶ هرچند براساس این تحلیل در دسته چهارم اصولاً فاعلی نیست که بر مفعول بهره ور عارض شود.

تحلیل عارفی

► به تحلیل ساخت غیرشخصی در فارسی امروز می پردازد.

► تجزیه و تحلیل این ساختها در فارسی امروز غیرممکن است زیرا اینها جملات منجمد، کلیشه ای و قالبی اند.

تحلیل عارفی

- ▶ سعی در تحلیل این ساختها در فارسی امروز بر اساس ویژگی آنها در فارسی قدیم؛
- ▶ میگوید «خوشم می آید» در واقع همان «مرا خوش می آید» در فارسی قدیم بوده که در آن «مرا» مفعول بهره ور بوده و بنابراین آن را باید «به من خوش می آید» در نظر گرفت.
- ▶ «این تحلیل واژه بست ضمیری را که تحلیلش بسیار دشوار بوده است به یک «گروه اسمی +را» ارتقاء میدهد. ارتقاء از این جهت که دیگر میتوان آن را به شکل گروهی (اسمی یا حرف اضافه ای) تمام عیار در جمله به چشم دید».

تحلیل عارفی

- ▶ آخرین نکته در تحلیل وی؛
- ▶ ساختی مانند «علی خوشش آمد»، که در آن گروه اسمی «علی» در ابتدای جمله آمده است، به صورت زیر تحلیل کرده است:
- ▶ (۲) الف. علی خوشش آمد.
- ▶ ب. به علی خوش آمد.
- ▶ ج. علی بهش خوش آمد.
- ▶ د. علی خوشش آمد.

تحلیل عارفی

- ▶ (۲ج) حاصل رخداد فرایند مبتداساز ضمیرگذار بر (۲ب) است؛
- ▶ (۲د) از نشستن ضمیر پیوسته به جای کل گروه مفعول بهره ور در (۲ج) به دست آمده است.
- ▶ در انتهای مقاله (ص ۱۷۹) دوباره تاکید میکند که ساخت غیرشخصی برای سخنگوی فارسی زبان تیره / ناشفاف است و غیرقابل تجزیه است.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

► **استدلال اول.** عارفی عنوان کرده است که چون ضمائر متصل در فارسی میانه کاربرد فاعلی نداشته اند، پس در فارسی قدیم و امروز هم نقش فاعلی ندارند، در نتیجه نقش بهره ور دارند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

► مفیدی (۱۳۸۶: ۱۴۹) عنوان میکند که واژه بستمهای مطابقه در فارسی نو قدیم، در افعال زمان گذشته، به جای تکواژ صفر ظاهر می شدند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ (۳) الف. کیخسرو بعد از آن درگاه ایزد گرفتش و از پادشاهی دست برداشت. (تاریخ بلعمی، از انوری و گیوی ۱۳۷۴: ۱۹۴).

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ ب. زان سپیدی، مرد بودش بی خبر

گرچه بسیاری برافکندش نظر

(منطق-الطیر عطار، قرن ۶، از ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۲۹)

▶ ج. به فرّ جهاندار بستش میان

به گردن برآورد گرز گران

(شاهنامه، از شفیعی ۱۳۷۷: ۱۶۳)

پس واژه بستها در فارسی قدیم هم نشانه مطابقه فاعلی بوده اند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ **استدلال دوم.** تمایز واژه بسته‌ها در اشاره به مفعول (مانند دیدمت) و نقش آنها در افعال مرکب پی‌بستی اختصاص دارد.

▶ واژه بسته‌ها در این دو جایگاه تفاوت ماهوی با هم دارند، و نمیتوان آنها را هم‌ردیف دانست.

۴. شواهد و استدلال‌های تازه

▶ تعیین تمایز میان نشانه‌های مطابقه و ضمائر ارجاعی ساده نیست (سیویرسکا ۱۹۹۹، ۲۰۰۴، کوربت ۱۹۹۱، ۲۰۰۶).

▶ معمولاً ضمائر ارجاعی دستوری شده و به نشانه‌های مطابقه تبدیل می‌شوند.

▶ گاهی نظام مطابقه هم به ضمائر ارجاعی و هم نشانه‌های مطابقه اشاره میکند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ بین سه نوع نشانه مطابقه (برزنن و امکمو ۱۹۸۷، سیویرسکا ۱۹۹۹، ۲۰۰۴):

▶ ارجاعی (ضمیری)، مبهم و دستوری (نحوی).

۴. شواهد و استدلالهای تازه

► سیویرسکا: هم واژه بستها و هم شناسه ها، نشانه مطابقه اند:

نشانه های مطابقه ارجاعی (ضمایر پی بستی فارسی)،



نشانه های مطابقه مبهم (شناسه ها)



نشانه های مطابقه دستوری (s- در انگلیسی)

۴. شواهد و استدلالهای تازه

- ▶ نشانه های مطابقه دستوری: نیازمند حضور کنترل کننده (مرجع مطابقه)
- ▶ نشانه های مطابقه مبهم: بی نیاز از حضور آشکار کنترل کننده
- ▶ نشانه مطابقه ارجاعی: حضور کنترل کننده در حوزه مطابقه اجباری نیست و میتواند خارج از آن (یعنی در کلام) حضور داشته باشد.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ نمونه ای از نشانه مطابقه ضمیری: (سیویرسکا ۲۰۰۴: ۱۵۶).

▶ (۴) الف. کتابو تموم کردم.

▶ ب. تمومش کردم.

▶ ج. یک کتاب خریدم.

▶ د. *خریدمش.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ این واژه بسته‌ها هنوز به صورت تمام و کمال به نشانه مطابقه (منظور نشانه مبهم) تبدیل نشده اند، (یا به قول سیویرسکا نشانه مطابقه ضمیری هستند):

- ▶ (۵) الف. *من پسر دیدمش.
- ▶ ب. *من هیچ کس را ندیدمش.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ اما در مورد افعال مرکب پی بستی چطور؟

▶ آیا در این ساختها واژه بستها به نشانه مطابقه مبهم یا دستوری تبدیل شده اند یا همچنان نشانه ارجاعی هستند؟

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ نظر نگارنده: در این ساختها ضمائر پی بستی به نشانه های مطابقه مبهم (مانند شناسه ها) تبدیل شده اند.

▶ (۶) الف. هیچ کس از شکست خوشش نمی آید.

▶ ب. کی خوابش می آید؟

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ در واقع همانگونه که در جدول (۲) مشخص شد، ضمائر پی-بستی در این ساختها مانند شناسه ها هستند، و در تقسیم بندی سیویرسکا (۱۹۹۹) در گروه نشانه های مطابقه مبهم قرار میگیرند. اما این ضمائر وقتی به مفعول اشاره دارند، در طبقه نشانه های مطابقه ارجاعی (ضمیری) هستند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

- ▶ واژه بستمهای ضمیری در افعال مرکب پی بستی؛
- ▶ دستوری تر شده اند
- ▶ از نشانه ارجاعی (که بیشتر مانند ضمیر است) به نشانه مطابقه مبهم (که نقش ارجاعی کمتری دارد) تبدیل شده اند.
- ▶ به همین دلیل در فعل مرکب پی بستی اجباری اند
- ▶ و قاعده نحوی حضور آنها را تعیین کند (مانند شناسه ها)،
- ▶ نه قاعده کلامی

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ **استدلال سوم.**

▶ «به علی خوش آمد»

▶ «علی بهش خوش آمد»

▶ جملات نادرستی اند و نمیتوان آنها را حاصل آنچه وی فرایند مبتداسازضمیرگذار میداند دانست، چون قاعداً جملات حاصل این فرایند باید دستوری باشند.

۴. شواهد و استدلالهای تازه

▶ استدلال چهارم.

▶ نمونه هایی تازه از این ساخت در گفتار فارسی زبانان دیده میشود؛

▶ در فهرست عارفی: «چندشم شد»، یا «بی وقتی ام شد»

▶ یا جملاتی این چنینی: «بازی ام نمی آید»، «درس خواندندم نمی آید».

با سپاس فراوان ▶